

تحلیل رکن مادی و معنوی جرم جعل مهر و منگنه در حقوق کیفری ایران

میترا توده خیل

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

جرم جعل مهر و منگنه و علامت یکی از جرایم علیه آسایش عمومی محسوب می شود. قانون گذار ایران تعریفی از این جرم ارائه نداده و صرفاً به ذکر مصادیقی از این جرم در مواد مختلف اکتفا نموده است. در تعریف این جرم می توان گفت جعل مهر عبارت است از ساختن یا تغییر دادن مهر با قصد تقلب. رفتار فیزیکی در جعل مهر عبارت است از ساختن شکل فیزیکی یا تصویر مهر منتسب به اشخاص حقیقی یا حقوقی. در ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی قصد تقلب و اضرار سوء نیت خاص این جرم می باشد که شبیه سازی شرط تحقق آن است، سربرگ ادارات علامت نیست تا جعل آن جرم باشد، در قانون مجازات اسلامی فقط ساختن مهر اشخاص حقیقی تاجر طبق ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی جعل است. ساختن مهر شرکتها که به عنوان اشخاص حقوقی حقوق خصوصی می باشند طبق ماده ۵۲۹ جعل است. در حالی که جعل مهر موسسات که به عنوان اشخاص حقوقی خصوصی می باشند جعل نیست. ساختن مهر اشخاص حقوقی عمومی دولتی طبق ماده ۵۲۵ و ساختن مهر اشخاص حقوقی عمومی غیر دولتی طبق ماده ۵۲۸ جعل است. مرتکب جعل مهر می تواند افراد رسمی یا غیر رسمی باشد. افراد رسمی به عنوان مرتکب جعل مهر عبارتند از مأمورین به خدمات عمومی دولتی و مأمورین به خدمات عمومی غیر دولتی. افراد غیر رسمی یا عادی که به عنوان مرتکب جعل مهر می باشند می توانند بالغ یا غیر بالغ باشد. اشخاص بالغ به عنوان مرتکب جعل مهر دارای مسولیت کیفری و مجازات می شوند. افراد غیر بالغ به عنوان مرتکب جعل مهر شامل غیر بالغ ممیز و غیر ممیز می باشند که غیر بالغ طبق رأی دادگاه در کانون نگهداری می شود یا اقدامات تأمینی و تربیتی در مورد آنها اجرا می شود و افراد غیر بالغ غیر ممیز برای نگهداری به والدین سپرده می شوند. برای تحقق جرم جعل مهر، مهر مجعول باید مفید ارتکاب خلاف واقع توسط تنظیم کننده آن باشد. برای تحقق رکن معنوی این جرم نیاز به تقلب داریم. عناصر تقلب در جعل مهر استناد، برخلاف حقیقت، انتساب به غیر، تشابه، قابلیت فریب و اضرار است با لحاظ «قصد تقلب» در تعریف جعل ماده ۵۲۳ ق.م.ا این جرم مقید به نتیجه نیست ولی وجود و احراز قصد نتیجه و قابلیت وقوع آن لازم است. ضرر در جعل اعم از ضرر مادی یا معنوی است. موضوع تقلب در جعل، پیام بر خلاف حقیقت و فریبنده ظاهر و مفاد مهری است که دارای سندیت است. جرم موضوع ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی جعل نیست و به خاطر ارتباط موضوعی با جرم جعل در زیر مجموعه فصل پنجم قانون مجازات قسمت تعزیرات آمده است.

واژه‌های کلیدی: برخلاف حقیقت، انتساب، جعل، مهر، منگنه

مقدمه :

جرم جعل یکی از جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است. استحکام روابط اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی یک کشور اقتضا می‌نماید که تبادلات و مبادلات فی مابین افراد جامعه مطمئن و قابل اعتماد در چارچوب قانون و به‌دور از هرگونه خدعه و تزویر باشد و این امر منوط به آن است که نوشته‌ها و اسنادی که به‌منظور اهداف گوناگون بین آنها رد و بدل می‌گردد از صحت و اصالت لازم برخوردار باشد.

قانون گذار ایران تعریفی از این جرم جعل ارائه نداده است و صرفاً به ذکر مصادیقی از این جرم اکتفا نموده است از این جهت ابهامات زیادی در مورد این جرم و موضوعات آن از جمله مهر و عناصر متشکله آن وجود دارد.

با ملاحظه ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت که رفتار فیزیکی در جعل عبارت است از ساختن مهر یا امضای دیگری اما عدم اشاره قانون گذار به ملاک تحقق جعل موجب اختلاف نظر و مشکلات علمی فراوان شده است. در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ قانون گذار در صدر ماده ۲۰ از عبارت « برخلاف حقیقت » استفاده کرده بود و لذا تا حدودی به ارائه ملاکی روشن برای تحقق رکن مادی جعل پرداخته بود. یعنی عمل ساختن یا تغییر دادن یا تحریف مطالب دیگران در صورتی جعل بود که خلاف حقیقت باشد. اما در ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ این عبارت توسط قانون گذار حذف شد و موجب شائبه های زیادی در این زمینه گردید.

اینکه ملاک تحقق جرم جعل قلب حقیقت می‌باشد یا خیر و اگر هست منظور از قلب حقیقت چیست و اگر چنانچه ملاک تحقق جعل مهر قاعده مذکور نمی‌باشد، در این صورت ملاک کدام مسئله است. همچنین پاسخ به این پرسش که آیا جعل مهر اشخاص حقیقی و حقوقی جعل است؟ مسئله ایست که لازم است با توجه به اهمیت جرم جعل به آن پرداخته شود.

در مورد عنصر ضرر در جرم جعل مهر ابهاماتی نیز وجود دارد. جایگاه این عنصر در میان عناصر جعل توسط قانون گذار یا حقوق دانان روشن مشخص نشده و با سکوت قانون گذار در این مورد، حقوق دانان دچار اختلاف نظر شده اند. آنچه مسلم است این است که منظور از عنصر ضرر، ایجاد ضرر بالفعل نیست بلکه قابلیت ایراد ضرر برای تحقق جرم جعل کافی است. همچنین ماهیت ضرر در جعل نیز مبهم است و قانون گذار به آن اشاره ای نکرده است. لذا در این تحقیق سعی شده است تا با طرح و بررسی این سوالات و ابهامات حتی الامکان راه حل عملی و مناسبی را برای روشن تر شدن همه جوانب و ابعاد جعل مهر ارائه شود.

رفتار فیزیکی جعل مهر به صورت زیر است :

۱- ساختن مهر اشخاص حقیقی یا حقوقی

۲- تغییر در قسمتی از مهر که قبلاً ساخته شده

۳- تغییر نقاشی مهر بدون ساختن فیزیک آن

این جرم به صورت فعل و علیه اشخاص طبیعی یا حقوقی واقع می‌شود و از دسته جرایم مطلق است و برای تحقق جرم نیاز به وقوع ضرر عینی و ملموس در عالم خارج نداریم بلکه ضرر بالقوه هم برای تحقق آن کافی است. جعل مهر از دسته جرایم عمدی با سوء نیت خاص می‌باشد با توجه به ماده ۵۲۳ برای تحقق جرم جعل نیز به قصد تقلب داریم. برای احراز قصد تقلب ۴ شرط باید وجود داشته باشد :

۱- چیزی تقلبی است که غیر واقعی باشد، اگر واقعی باشد تقلب نیست. البته برخی حقوق دانان این شرط را لازم ندانسته اند.

- ۲- مهر جعل شده باید قابلیت استناد داشته باشد.
- ۳- مهر جعل شده باید خاصیت مشتبه سازی داشته باشد و عرف را به اشتباه بیندازد.
- ۴- قابلیت اضرار داشته باشد خواه مادی، خواه معنوی.

۱- مفاهیم و اصطلاح شناسی

۱-۱- تعریف جعل

۱-۱-۱- معنای لغوی جعل

«جعل»، کلمه ای عربی می باشد که برای آن معانی متعددی در زبان عربی استعمال می شود از جمله به معنی «خلق کردن و بوجود آوردن»، «قرار دادن»، «دگرگون کردن»، «پنداشتن»، «نامیدن و نسبت دادن» آمده است.

- سوره مبارکه بقره آیه ۲۹: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» یعنی، من در زمین جانشینی را آفریدم.

- سوره مبارکه بقره آیه ۱۲۴: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» یعنی، من تو را برای مردم رهبر و پیشوا قرار دادم.

همانطوریکه مشاهده می شود هیچیک از معنای لغوی جعل در برگزیده نوعی از جرائم نمی باشد. بنابراین همراه با این کلمه باید برخی عناوین مثل «جرم» یا «بزه» یا پیشوند یا پسوند بکار برد مثل «جعل اسناد».

۱-۱-۲- معنای اصطلاحی جعل

معنای اصطلاحی جعل عبارت است از قلب متقلبانه حقیقت به یکی از طرق مندرج در قانون. در اصطلاح، جعل و تزویر در کنار هم بکار برده شده اند.

«در معنای اصطلاحی، تزویر و وضع است. مزور، وضع به معنای جاعل است و همه آنها به معنی ساختن امری است که از روی قصد و برخلاف واقع، مانند سند مجعول».^۱

«تزویر، از باب تفعیل از «زور» می آید و زور، دروغ و تزویر آراستن را گویند و مزور، نادرست و گز را گویند».^۲

«وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ». یعنی از سخن باطل (افترا) اجتناب بورزید. سوره مبارکه حج آیه ۳۰

در اینکه آیا دو کلمه «جعل» و «تزویر» با هم مترادفند یا دارای معانی متفاوتی اند تردید وجود دارد ولی به نظر میرسد که این دو کلمه با هم مترادفند و بکار بردن آنها در کنار هم برای تأکید بیشتر بوده است. البته برخی «تزویر» را معادل جعل معنوی دانسته اند. «ارتباط معنای لغوی با اصطلاحی در حقوق مجازات از این جهت است که جاعل شخصاً یا مع الواسطه در نوشته موجود قلم برده و مفهوم آنرا دگرگون می نماید یا به طور کلی سندی برخلاف حقیقت و واقع ایجاد می کند»^۳

قانونگذار ایران هم، در وضع مواد مربوط به جعل، گاهی از هر دو عنوان در کنار هم استفاده کرده مثل مواد ۵۲۳ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی و گاهی هم فقط از عنوان «جعل» استفاده شده و در مواردی هم فقط عنوان «تزویر» آمده و تفاوتی بین آنها

۱ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ذیل کلمه «جعل».

۲ یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تقریرات، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۲، ص ۵۳.

۳ سلیمانپور، منبع پیشین، ص ۶

قائل نشده است. با این حال به نظر می‌رسد بکار بردن دو عنوان با یک معنی در کنار هم در تدوین قانون ضرورت ادبی و حقوقی نداشته و صرفاً عنوان «جعل» بیان‌کننده منظور قانونگذار می‌باشد.

کمیسیون مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه شماره ۷/۴۸۵۱ مورخ ۱۳۶۴/۹/۱۷ در پاسخ به این سؤال که آیا ذکر کلمه جعل و تزویر در ماده ۲۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۱ و عدم ذکر یکی از آنها دلیل بر افتراق و اختلاف آنها است چنین اظهار نظر کرده است:

«در ماده ۲۰ قانون تعزیرات مقنن در مقام تعریف بزه جعل و تزویر، دو کلمه را به طور مترادف بکار برده است و برای آن دو کلمه معنی و مفهوم قانون واحدی مورد نظر بوده است لذا عدم ذکر یکی از آنها در پاره ای از مواد قانون تعزیرات دلیل مغایرت آنها نمی‌باشد».

در ابتدای ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی آمده است که: «جعل و تزویر عبارتند از: ...». حال که دو کلمه جعل و تزویر مترادف دانسته شده اند قانونگذار هم می‌بایست اینگونه بیان می‌داشت: «جعل و تزویر عبارت است از ...» و از اینکه فعل بصورت جمع بکار برده شده است اینگونه استنباط می‌شود که قانونگذار این دو کلمه را مترادف دانسته که صحیح به نظر نمی‌رسد.

۱-۳- تعریف حقوقی جعل

تعاریف مختلفی از جعل ارائه شده که اغلب معلول عواملی مثل موضوعات و اشیاء و اموری است که مورد جعل قرار می‌گیرند. این تعاریف به علت تنوع موضوعات از جامعیت و مانعیت برخوردار نیست و در برخی موضوعات و اموری که داخل در تعریف جعل نمی‌باشد گنجانده شده و در برخی دیگر از این تعریف‌ها مواردی که داخل در تعریف جعل هستند خارج از محدوده تعریف قرار گرفته اند.

«... از طرفی جعل در اصطلاح حقوق دارای دو معنی موسّع و مضیق می‌باشد. معنای مضیق این کلمه معنایی است که از یک طرف شامل تزویر در اسناد است، جعل اسناد به معنی اخص و از طرف دیگر شامل تمام قلب‌سازیه‌ها از قبیل: ساختن سکه تقلبی و غیره می‌باشد در حقوق جزای جدید جعل به این معنای موسّع قابل توجیه نیست»^۱.

قانون مجازات اسلامی مصادیقی از جرم جعل ارائه داده که هم شامل جعل در اسناد یعنی معنای خاص جرم و هم شامل جعل در سایر امور و اشیاء می‌باشد. با اندکی دقت در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ متوجه می‌شویم که قانونگذار تعریفی از جرم جعل ارائه نداده و در واقع به مصادیق ششگانه‌ای اشاره کرده است. سابقه این ماده قانونی به ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بر می‌گردد. در آن ماده آمده بود:

«جعل و تزویر عبارت است: از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری بر خلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی یا به قصد تقلب، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته به نوشته دیگری یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن».

در ماده ۲۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۱ هم عیناً ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی تکرار شده است:

^۱ سلیمانپور، همان، ص ۱۵

«جعل و تزویر عبارت است: از ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری بر خلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی یا به قصد تقلب، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته به نوشته دیگری یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر آن».

قانونگذار در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد :

«جعل و تزویر عبارتند از: از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب».

ملاحظه می شود که متن ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی هم همان ساختار ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی و ماده ۲۰۰ قانون تعزیرات است. «إلاّ چند تغییر جزئی مثل حذف عبارت «... یا چیز دیگری برخلاف حقیقت»، و دیگر اینکه عبارت «به قصد تقلب» از وسط به انتهای جمله منتقل شده است و همان گونه که گفته شد کلمه «عبارتست» به «عبارتند» تبدیل شده است و یا حذف کلمه «متقلبانه».

همانطوریکه بیان شد قانونگذار هیچگاه تعریف کامل و جامعی از جرم جعل ارائه نکرده و به ذکر مصادیق تمثیلی اکتفا نموده که با توجه به توسعه روز افزون جوامع و به موازات آن تنوع و تغییر عمل جاعلین لازم است تعریفی جامع و در عین حال مانع از جعل ارائه شود که دربرگیرنده موارد متعدد و متنوع ارتکاب جرم جعل باشد. البته حقوقدانان با توجه به مواد قانونی و رویه قضایی مربوط تعاریفی از جعل ارائه کرده اند که بسیار نزدیک به هم و گاه کاملاً منطبق بر هم می باشند: «جعل، عبارت است از قلب متقلبانه حقیقت به ضرر دیگری در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر به یکی از طرق مذکور در قانون»^۱ و یا «جعل و تزویر عبارت است از قلب متقلبانه حقیقت به زیان دیگری به یکی از طرق مذکور در قانون در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر»^۲ . و تعریف دیگر: «جعل عبارت است از قلب متقلبانه حقیقت در یک نوشته یا سند یا چیز دیگر هدف با اضرار غیر به یکی از طرق مذکور در قانون»^۳.

می توان گفت که آخرین و کاملترین تعریفی که از جرم جعل ارائه شده و بر موارد زیادی از افعال متقلبانه حاکم است تعریفی است که در قانون جزای فرانسه آمده: «مقنن فرانسه موضوع جعل را که قبلاً فقط نوشته و مکتوب بوده است بعدها عوض کرده و آن را «دست بردن در وسیله بیان اراده» قرار داده است. در سال ۱۸۱۰ که قانون فرانسه وضع گردید «نوشته» موضوع جعل قرار گرفته بود زیرا که جعل در نوشته، دست بردن در وسیله بیان اراده بود. این فلسفه بعدها مورد کنکاش قرار گرفت و مقنن به این نتیجه رسید که هدف از جرم دانستن آن، جلب اعتماد مردم به اسناد است. در سال ۱۹۹۰ مقنن فرانسه می بیند که نوشته تنها وسیله بیان و ابراز اراده نمی باشد لذا «نوشته» را حذف می کند زیرا که فقط یک مصداق است و شامل تمام موارد نمی شود و از طرفی مقنن نمی خواهد وسیله بیان اراده مردم را محدود کند چون وسایل ابراز اراده،

^۱ - پاد، همان منبع، ص ۵۳.

آزمایش، علی، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، جعل و تزویر، تقریرات، نیم سال اول تحصیلی ۷۶-۷۷، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

^۲ - گلدوزیان، همان منبع، ص ۴۰

^۳ - پیمانی، ضیاءالدین، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی؛ نشر میزان، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۰۸

متحول بوده و تکنولوژی در حال گسترش و پیشرفت می باشد و این مسائل باعث شد که در حال حاضر جعل را این گونه تعریف کند: « دست بردن در وسیله بیان اراده » که شامل حمایت از تمام وسایل پیشرفته ابراز اراده است تا برای مردم ایجاد معذوریت نکند و مردم نیز وسایل پیشرفته را که لازم زندگی جدید است معتبر و حمایت شده بدانند»

۲-۱-۱-۲-۱-۲ رکن مادی جرم جعل مهر و منگنه

عناصر رکن مادی هر جرمی را قانونگذار تعیین می کند، ولی متأسفانه در خصوص جرم جعل همه اجزاء تشکیل دهنده جرم جعل مهر، به خوبی توسط قانون گذار تبیین نشده است و آنچه که در تبیین این عناصر به ما کمک می کند رویه قضایی و دکترین حقوقی می باشد. برای تحقق جرم علاوه بر عنصر مادی محتاج به وجود عنصر دیگری یعنی عنصر روانی است، جرم از نظر قانونی هنگامی رخ داده است که افعال مادی تشکیل دهنده آن، عنصر مادی از موجودی واجد ادراک و اختیار عنصر روانی صادر شده باشد.

اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی جعل مهر که در این مبحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت عبارت است ساختن مهر و انتساب مهر به اشخاص حقیقی.

۲-۱-۱-۲-۱-۲ ساختن مهر

اصولاً موضوع جرم جعل، نوشته و سند است، لکن قانون گذار ایران در مواد مربوط به جعل، برخی از اشیاء را نیز به عنوان موضوع این جرم قرار داده است. به عبارت دیگر موضوع اصلی جعل نوشته و سند می باشد و تعمیم این جرم به اشیایی مانند مهر، بنا بر تصریح قانون گذار است. این تصریح قانون گذار، مشکلی را که حقوق دانان برخی از کشورهای دارای نظام کامن لا با آن مواجهند، برطرف کرده است. چرا که در این کشورها، قانون گذار در خصوص موضوع جرم جعل فقط به نوشته اشاره کرده است. در یک تقسیم بندی کلی جرم جعل به دو صورت می تواند محقق می شود.

الف: ساختن

ب: دست بردن

البته به کار بردن را نیز با مسامحه و اغماض می توان به عنوان صورت سوم فعل در جرم جعل عنوان نمود چه آنکه علی رغم اینکه به کار بردن مهر دیگری در واقع جعل نبوده بلکه در حکم جعل می باشد ولی به لحاظ اینکه قانون گذار این مورد را نیز از مصادیق جعل بر شمرده است به ناچار و مسامحه به عنوان صورت سوم فعل در جرم جعل قابل طرح می باشد.

۲-۱-۱-۲-۱-۲-۱-۲ ساختن

یکی از صور فعل در جرم جعل ساختن یا به وجود آوردن برخلاف حقیقت است ساختن در لغتبه معنی: بناکردن. عمارت. عمارت کردن. برآوردن. پی افکندن. بن افکندن. بنیان ساختن^۱ استکه در جعل به دو صورت می باشد:

۱- ساختن مهر یا امضاء اشخاص

در جرم جعل مهر منظور از ساختن مهر، درست کردن مهر دیگری بدون مجوز می باشد. در ساختن مهر، ممکن است جاعل مهر اصلی را نداشته باشد و از روی آثاری که بر روی نوشته یا کاغذ باقیمانده است مباشرتاً اقدام به ساخت مهر می کند یا ممکن است جاعل مهری را از ابتدا تا انتها بسازد و یا در مهری که قبلاً ساخته شده تغییراتی را ایجاد کند. بنابراین جرم جعل مهر به دو صورت از طرف فاعل آن قابل ارتکاب است .

صورت اول، جعل مربوط به فیزیک یا قالب مهر است .

صورت دوم مربوط به نقش مهر روی کاغذ است .

جعل مهر در صورتی که مربوط به فیزیک یا قالب مهر باشد خود به ۲ صورت محقق می شود .

یک مورد وقتی که مهر قبلاً ساخته شده و مرتکب مانند آنرا می سازد .

مورد دوم وقتی که مهر قبلاً ساخته نبوده و مرتکب بدو آن را می سازد .

امادر مورد جعل مهر از طریق نقش مهر روی کاغذ یا نقاشی مهر ۲ شرط لازم و ضروری است :

اول اینکه نقاشی مهر با مهر اصلی شباهت داشته باشد .

دوم اینکه نقش مهر روی کاغذ قابل انتساب باشد .

در مورد شباهت در جعل مهر و قابلیت انتساب در مباحث بعدی به طور مفصل توضیح خواهیم داد.

اما منظور از ساختن امضاء اشخاص منقوش نمودن امضای دروغی و نادرست اشخاص ذیل نوشته است.

۲- ساختن نوشته یا سند

در این مورد ابتدا تعریفی از نوشته و سند ارائه می دهیم :

نوشته عبارت است^۱ از خط یا علامتی است که در روی صفحه نمایان باشد خواه از خطوط متداول باشد یا غیر متداول، مانند رمزها و علاماتی که دو یا چند نفر برای روابط خود قرار داده اند. صفحه ای که نوشته بر آن نمایان است فرقی نمی کند که کاغذ یا پارچه باشد یا آنکه چوب، سنگ، آجر، فلز، یا ماده دیگر. خطی که بر صفحه نمایان است فرقی ندارد که به وسیله ماده رنگی با دست نوشته شده یا ماشین کپی و یا چاپ شده باشد همچنان که فرقی نمی نماید که بر صفحه حک شده باشد یا آنکه به وسیله آلتی برجستگی بر صفحه ایجاد کرده باشد.^۱

نوشته در معنای موسع تمام علائم مادی است که قابل رویت و ثابت بوده و پیامی را منتقل نماید. سند در لغت به معنای هر تکیه گاه و دلیل و راهنمای مورد اعتماد است در این تعریف هر آنچه که بتواند به عنوان دلیل مورد استناد قرار آید گیرد. ماده ۱۲۸۴ ق.م. مقرر داشته است: سند عبارت از هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد.

بعد از بیان این تعاریف باید گفت منظور از ساختن سند یا نوشته به وجود آوردن سند یا نوشته ای که موجود نبوده اعم از اینکه مرتکب در به وجود آوردن سند صالح باشد یا نباشد.

۱- عمید، حسن، ص ۱۱۴۲

۲- مصلاهی، علیرضا، ص ۷۳

۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۶، انتشارات کتابفروشی اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۱-۶۵

۲- عمید، حسن، ص ۱۲۳۵

۲-۱-۱-۲- دست بردن

اعتبار مهر ها ایجاب می کند که اشخاص بدون مجوز قانونی اقدام به دست بردن مهر نکنند. تغییر دادن در هر جزء مهر اعم از اینکه مهر را از اعتبار ساقط کند یا نکند به نحوی که آن تغییر مخالف با واقعیت باشد جعل تلقی می شود. از این رو مصادیق اعمال انواع دست بردن در مهر، غیر محصور است و این دادگاه است که حسب مورد تشخیص تحقق عمل مرتکب و تطبیق آن را با جعل می دهد. تنها ملاکی که دادگاه باید رعایت کند این است احراز کند اولاً عمل مادی از مرتکب سر زده و ثانیاً این عمل فاقد مجوز قانونی است اما اینکه چه نوع عملی به مصادیق جدید پیدا خواهند شد وظیفه دادگاهها می باشد که مورد ارزیابی قرار دهند.

سوالی که در این مورد مطرح می شود این که مصادیق دست بردن حصری یا تمثیلی است؟ عبارت قانون نشان می دهد که قانگذار صورت خارجی و شکل فعل را به دو نوع تقسیم کرده است. اول اینکه قانون گذار به طور حصری صورت خاص از فعل را مد نظر داشته است مثل ساختن یا دست بردن یا به کار بردن مهر، یعنی جرم جعل در بخش فعل مرتکب ضرورتاً باید به یکی از این صور تظاهر پیدا کند در حالی که در بخش دوم قصد حصر مصادیق ساختن یا مصادیق دست بردن را نداشته است، یعنی ساختن، دست بردن، و به کار بردن مهر دیگری به ظاهر حصری است ولی مصادیق آن حصری نیستند. این مطلب با ظاهر ماده و دیگر مواد مربوط به جعل هماهنگی دارد ولی با مفهوم جرم جعل هماهنگی ندارد چون جرم جعل معمولاً به معنی تغییر حقیقت است تغییر حقیقت یک مفهوم کلی است که می تواند مصادیق متعددی از جمله ساختن یا دست داشته باشد. عبارت ماده ۵۲۳ق.م.ا. با ذکر عبارت «ونظایر اینها» در انتهای ماده این اجازه را می دهد که بگوییم مفهوم، مورد نظر قانون گذار بوده، یعنی تغییر حقیقت و شکل خارجی و مصادیق این حقیقت می تواند غیر از سه شکل ساختن، مخدوش کردن و به کار بردن مهر باشد که در این صورت مصادیق ماده ۵۲۳ تمثیلی خواهد بود. البته در همین ماده عبارت این ماده، عبارت خلاف این را ممکن می سازد در خصوص اینکه عبارت «و نظایر اینها» به موضوع بر می گردد یا خیر تردید وجود دارد و تعیین تکلیف نهایی بر عهده رویه قضایی می باشد.^۱ اما شکل دست بردن در مهر دارای مصادیق متعددی است. ۱- خراشیدن ۲- تراشیدن ۳- محو کردن ۴- سیاه کردن ۵- قلم بردن در مهر ۶- اضافه کردن عبارتی به مهر ۷- الحاق عبارتی به مهر ۹- تقدیم یا تغییر تاریخ مهر ۱۰- اثبات در مهر که ذیلاً به توضیح هر یک از موارد فوق می پردازیم. البته همه این موارد در یک چیز مشترک اند و آن اینکه در تمام موارد چیز موجودی به شکل متقلبانانه تغییر داده می شود. لکن این تغییر حقیقت در صورتی جعل محسوب می شود که بر روی مهر اصیل و معتبر واقع شود نه بر روی یک مهر جعلی یا غیر معتبر. همچنین اگر تغییر در مهر به قصد خیر و کمک به دیگری صورت بگیرد باز هم جرم جعل محقق می شود زیرا اصولاً انگیزه با سوء نیت متفاوت است و تاثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم ندارد و صرفاً در مجازات موثر است.

۲-۱-۳- مصادیق دست بردن در مهر :

۲-۱-۳-۱- خراشیدن :

خراشیدن از بین بردن و محو یک جزء از فیزیک یا تصویر مهر با استفاده از یک شیء سخت یا نوک تیزمانند تیغ و چاقو انجام می شود. بدین معنی این که مرتکب حروفی را با کمک این وسایل از روی مهر محو می کند.^۳ خراشیدن محو یک جزء از کلمه

۱- برای اطلاع بیشتر ر.ک. آزمایش، علی، ص ۸

است مثل اینکه نوشته شده باشد حسین و حسین را خراشدهد که حسن خوانده شود ولی اگر تمام کلمه را بتراشد این عمل تراشیدن است. در خصوص تفاوت بین خراشیدن و تراشیدن، نظر آقای دکتر ابراهیم پاد این است که در تراشیدن که معمولا به وسیله آلت مخصوصی از قبیل چاقو یا تیغ یا کاغذ تراش یا یک قطعه شیشه شکسته و امثال آنها که عرفاً تراشیده است، انجام می‌گیرد. اعم از اینکه قسمت تراشیده شده، جزء یا کل آنکلمه باشد از بین می‌رود. ولی در خراشیدن که ممکن است به وسیله هر جسم دیگری که عرفاً تراشیده نیست از قبیل یک قطعه چوب یا مداد پاک کن و یا ناخن صورت گیرد تمام مهر از بین نمی‌رود بلکه آثار آن باقی می‌ماند. و در نتیجه این عمل مهر اصلی غیر خوانا یا به نحو دیگری خوانا می‌شود و یا اساس مهر از حیث رنگ جوهر، کهنه و قدیمی و نمود می‌شود.^۱

۲-۱-۳- تراشیدن:

تراشیدن از بین بردن تمام کلمه با استفاده از یک شیئی عرفاً تراشیده نظیر تیغ، چاقو یا شیشه شکسته می‌باشد. خراشیدن و تراشیدن جنبه منفی داشته و زمانی جعل محسوب می‌شوند که آثاری از خراشیدگی و تراشیدگی ظاهرا بر جای نماند به طوری که نتوان به آسانی به این آثار پی برد.^۲

۲-۱-۳- قلم بردن:

«قلم بردن عبارت است از تغییر و تبدیل دادن حروف و کلمات یا ارقام موجود بدون اینکه کلمه یا رقم جدید اضافه شود مثل اینکه جاعل با قلم بردن عدد ۱ را به ۲ یا به ۳ تبدیل نماید^۳. در قلم بردن چیزی مستقلا^۴ به مهر موجود اضافه نمی‌شود بلکه جاعل در کل یا جزء آن مهر قلم می‌برد مثل اینکه «ل» را به «ک» یا حرف «ر» را به «د» تبدیل کند و یا اصولا بخواهد رسم الخط و شیوه نویسنده را تغییر دهد و کلمه خوانا را غیر خوانا و یا خوانا به نحو دیگر سازد. ممکن است در نتیجه قلم بردن، چیزی هم به مهر اصلی الحاق شود در اینصورت الحاق به وسیله قلم بردن صورت می‌گیرد.

۲-۱-۳-۱- الحاق

یکی از طرق غالب جعل مهر که بیشتر مورد عمل جاعلین قرار می‌گیرد الحاق می‌باشد چه آنکه تراشیدن و خراشیدن و محو کردن نیز غالبا به منظور الحاق صورت می‌گیرد. الحاق عبارت است از اضافه کردن رقم یا حروف یا کلمه در متن یا حاشیه آن. الحاق در مهر به سه صورت انجام می‌شود:

۱- تغییر رقم یا حروف

۲- الحاق در محل محو شده اعم از محل خراشیدگی یا تراشیدگی یا پاک شدگی

۳- الحاق کلمات یا سطور در بین دو سطر یا در خاتمه یا صدر و حاشیه مهر.^۱

۲- میر محمد صادقی، حسین، ص ۲۵۸

۳- گلدوزیان، ایرج، ص ۵۴۳

۱- حائری شاه باغ - شرح قانون مجازات عمومی - ص ۶۱

۲- گلدوزیان، ص ۵۴۳

۳- سلیمان پور، ص ۶۱

به عبارت دیگر الحاق عبارت است از اضافه نمودن رقم و عدد، کلمه یا کلمات علائم دستور زبان فارسی بین سطور کلمات یک مهر به نحوی که معنی مهر را تغییر دهد.^۱ الحاق از طریق قلم بردن زمانی تحقق پیدا می کند که در نتیجه قلم بردن چیزی هم به مهر اصلی اضافه شود. در بحث الحاق این سوال مطرح می شود که آیا خراشیدن یا تراشیدن یا محو کردن عبارتی از مهر به منظور الحاق عبارت دیگری به آن، یک جعل محسوب می شود یا جعل های متعدد؟ نظر غالب در این خصوص این است که از آنجایی که هدف نهایی جاعل از خراشیدن یا تراشیدن یا محو کردن عبارتی از مهر این بوده است که عبارت جدیدی به آن الحاق نماید لذا اعمال خراشیدن یا تراشیدن یا محو کردن در این فرض مقدمه عمل الحاق تلقی شده و مجموعاً یک جعل تحقق یافته است نه جعل های متعدد.

۲-۱-۳-۵- محو کردن:

محو کردن عبارت است از حذف جمله یا کلمه یا حرفی از مهر، به منظور تغییر مفاد آن. این عمل ممکن است از طرق مختلف شیمیایی و فیزیکی تحقق یابد مانند اینکه فردی با استفاده از مواد پاک کننده یا جوهر کلمات «سی و» را در عبارت «سی و سه میلیون» محو نماید و آن را به جای سی و سه میلیون به سه میلیون تبدیل نماید. این اعمال غالباً پس از ساختن مهر انجام می گیرد ولی چنانچه حین تنظیم مهر کلمه یا جمله یا حرف یا عددی عمداً حذف شود یعنی اصلاً در مهر درج نشود تحت عنوان جعل مفادی یا معنوی قابل پیگیری می باشد. سوزانیدن قسمتی از مهر نیز چنانچه مهر را کلاً از حیث ارتفاع خارج نکند می تواند مصداقی از محو کردن به شمار آید و در غیر این صورت عنوان جزایی تخریب یا احراق را به خود می گیرد. استفاده از جوهرهای محو شونده عنوان محو کردن ندارد چه آنکه در این مورد بدون هیچ عمل اضافی، موجودیت خارجی کلمات و عبارات مهر خود به خود از بین رفته است چنین عملی حسب مورد می تواند صدق عنوان کلاهبرداری نماید.^۱ در صورتی که یک قسمت از یک نوشته مهر حذف شود باید مانده نوشته معنا و ارزش استنادی داشته باشد. اگر حذف قسمتی از نوشته مهر به صورتی انجام گیرد که مانده نوشته مهر ارزش استنادی خود را از دست بدهد در این صورت عمل مرتکب از مصادیق جعل نیست ولی ممکن است از مصادیق تخریب باشد. حذف قسمتی از نوشته مهر ممکن است با اضافه کردن کلماتی جبران شود. بدین صورت که به جای قسمت حذف شده (در اثر تراشیدن-خراشیدن-محو کردن و...) از مهر مطلب جدیدی گذاشته می شود بدون اینکه ضرورت داشته باشد که در متن تلفیق شده غیر واقعی یا مجعول باشد یعنی ممکن است هر دو متن واقعی باشد مثلاً به یک متن یک خط افزوده و از متن یک خط کاسته شود محو کردن معمولاً با مواد شیمیایی صورت می گیرد. سوزانیدن، پاره کردن، و خراب کردن تمام مهر صدق عنوان محو نمی نماید بلکه مشمول ماده ۶۸۲ ق.م.ا. می باشد.

۲-۱-۳-۶- سیاه کردن:

عبارت است از سیاه کردن یا ناخوانا کردن قسمتی از مهر یا به وسیله ایجاد لکه جوهر، مرکب، مواد شیمیایی و یا خط کشیدن روی آن به نحوی که شناخت کلمه امکان پذیر نباشد و اصل مهر نیز باقی بماند.^۲ سیاه کردن تمام مهر به نحوی که کاملاً غیر قابل تشخیص باشد جعل نبوده و حسب مورد مشمول مواد ۶۸۱ یا ۶۸۲ ق.م.ا. می باشد.

^۱- سلیمان پور، ص ۶۱

^۲- گلدوزیان، ص ۵۴۳

سیاه کردن یعنی ناخوانا کردن، پس ممکن است با رنگ آبی یا قرمز باشد. عده ای معتقدند که کلمات قانون را بایستی بر ظاهر آن حمل نمود و در این صورت ناخوانا کردن عبارات مهر با جوهر آبی یا قرمز صدق عنوان هسیاه کردن نمی کند. بلکه حتما باید با جوهر سیاه باشد که البته چنین تفسیری با مفهوم سیاه کردن در تعارض است. فرق سیاه کردن با محو کردن این است که در امحاء چنین وانمود می شود که در آن قسمت از مهر چیزی نبوده ولی در سیاه کردن خلاف آن وانمود می شود. بنا براین اگر کسی با نوک کبریت نیم سوز و نظایر آن، کلمه ای از مهر را بسوزاند یا سیاه کند، مشمول عنوان جعل خواهد بود.

۲-۱-۳-۷- اثبات کردن:

اثبات عبارت است از اعتبار بخشیدن به مهر باطل از طریق پاک کردن و از بین بردن علامت بطلان مهر نظیر پاک کردن خط قرمز یا علامت ضربدر یا کلمه باطل از روی مهر^۱. بنا براین منظور از اثبات کردن این است که علامت بطلان روی مهر را از بین برده و چنین وانمود کند که کلمه باطل در اصل موجود بوده است. مثل اینکه روی تمام یا قسمتی از مهر، خط نه یا علامت ضربدر یا خط قرمز متداول در دفتر داری و نظایر آن کشیده شود و جاعل آنرا به نحوی پاک کند^۲.

۲-۱-۳-۸- تقدیم یا تأخیر تاریخ مندرج در مهر نسبت به تاریخ حقیقی آن:

بنابر تعریف جعل در این مورد شخص پس از ثبت تاریخ مهر و تأیید طرفین یا مقام ذیصلاح در صدد عقب بردن تاریخ مهر نسبت به تاریخ واقعی است به ترتیبی مثل محو یا تراشیدن یا مثلاً ۸۱/۶/۱ را به ۸۲/۶/۱ تبدیل کند^۳.

۲-۱-۳-۹- به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب:

از آنجایی که جعل عبارت است از قلب یا تغییر متقلبانانه حقیقت لذا استعمال و استفاده و به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب و ذینفع آن نیز جعل تلقی می گردد چه آنکه در این مورد حقیقت این است که صاحب مهر یا ذینفع مهر، اجازه استعمال مهر را نداده است. و جاعل با استفاده و به کار بردن مهر وی، حقیقت مزبور را تغییر داده است. به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن چنانچه به قصد تقلب و اضرار نباشد به لحاظ فقدان سوء نیت جعل محسوب نمی شود. به کار بردن مهر دیگری از سوء استفاده از سفید مهر متمایز می باشد چه آنکه مورد اخیر از مصادیق خیانت در امانت و مشمول ماده ۶۷۳ق.م.ا. می باشد. بدیهی است که چنانچه سوء استفاده از سفید مهر همراه با نوشتن مطالبی روی آن باشد به نحوی که موجب خسارت صاحب مهر باشد مانع از تحقق جرم جعل نمی باشد. بنا براین اگر شخصی سفید مهر دیگری را بدون رضاء و اطلاع صاحب آن به دست آورد ه از آن سوء استفاده و از روی تقلب انتقال یا برائت ذمه یا چیز دیگری که موجب خسارت صاحب امضاء یا مهر شود روی آن بنویسد جاعل محسوب می شود^۱. اما نکته ای که باید خاطر نشان ساخت این که ساختن مهر از جمله موارد جعل مادی می باشد. به طور کلی حقوق دانان جعل را به مادی و معنوی تقسیم می کنند.

۱- سپهوند، ص ۶۱

۲- گلدوزیان، ص ۵۴۵

۱- گلدوزیان، ص ۵۴۵

۲- یاد، ص ۷۵ و ۷۶

۳- سپهوند، ص ۱۰۰

۱- یاد، ابراهیم، تقریرت درس حقوق جزای اختصاصی، ص ۷۷

۲- پیمایی، ص ۱۱۴

یکی از حقوق دانان در تعریف جعل مادی این طور گفته :

«جعل مادی است ، وقتی که قلب حقیقت به صورت فیزیکی انجام شود و در نوشته از خود آثار و علائم محسوس باقی گذارد . برعکس جعل معنوی است ، هنگامی که قلب حقیقت در محتوی و مضمون نوشته انجام شود و روی نوشته از خود هیچ اثر مادی باقی نگذارد . یک چنین جعلی در واقع دروغ ساده ای است که هیچ نشانه ظاهری آن را آشکار نمی کند . جعل مادی به وسیله کار شناس قابل تشخیص است ، حال آنکه جعل مفادی را هیچ کارشناسی نمی تواند تشخیص دهد و فقط می توان آن را به کمک سایر دلایل ثابت نمود».^۲

موارد مذکور در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی نمونه‌های از جعل مادی و موارد مذکور در ماده ۵۳۴ نمونه‌های از جعل معنوی به شمار می رود . علمای حقوق در خصوص جعل مادی تعاریف متعددی ارائه نموده‌اند ، علی رغم تفاوت‌های ظاهری ، همه این تعاریف دارای مفهوم و محتوای واحدی هستند . یکی دیگر از حقوق دانان در تعریف جعل مادی می گوید : «جعل مادی عبارت است از تحریف حقیقت با عملی مادی ضمن باقی ماندن اثر خارجی جعل در نوشته یا سند و غیر آن».^۳ همچنین یکی دیگر از علمای حقوق در تعریف جعل مادی می گوید: «جعل مادی آن است که در ظاهر و صورت نوشته یا سند و غیره خدش‌های وارد می شود مثل موارد مذکور در ماده ۵۲۳»^۴ بدین ترتیب زمانی جعل مادی است که تغییرات معلوم و مشخص و در عالم خارج محسوس باشد که طبیعی است می باید به طرق پیش بینی شده در قانون به عمل آمده باشد. ولی در جعل معنوی یا مفادی در مطلب و مفاد یک نوشته بدون اینکه اثر خارجی داشته باشد به عمل می آید . به عبارت دیگر جعل ابتدا حقیقت یک امری را در ذهن خود منقلب می کند و سپس همان دروغ را به صورت قلب شده وارد سند می نماید . بنا بر این جعل معنوی عبارت است از قلب حقیقت در مفاد و شرایط و مضمون یک سند بدون اینکه در ظاهرنوشته یا سند تغییر و تحریفی مادی به عمل آمده باشد .

۲-۱-۲ - انتساب مهر به اشخاص

یکی از شرایط تحقق جرم جعل قابلیت انتساب می باشد . بدین معنی که مهر مجعول باید امکان منتسب شدن به شخص را داشته باشد . شخص در اصطلاح حقوقی به موجود مختاری اطلاق می شود که اهلیت دارا شدن حقی را داشته باشد یا به تکلیفی ملتزم گردد و یا از حقی برخوردار شود . در طبیعت ، انسان یگانه موجودی است که دارای اراده است و می تواند ملتزم به تکلیف گردد یا از حقی برخوردار گردد . اشیا ، حیوانات و اجساد که دارای قوه ادراک و اراده نیستند نمی توانند عامل ارتکاب جرم باشند^۱ . راجح فرد گرایی حقوق جزا اصولاً به گونه ای است که انتساب رفتار مجرمانه را به فرد انسانی امکان پذیر است . در جرم جعل فاعل یا مباشر جرم که اقدام به ساختن مهر دیگر بدون مجوز می نماید در صورتی قابل تعقیب است که مهر را به شخص نسبت دهد.

۳- گلدوزیان ، ص ۵۴۰

۴- میر محمد صادقی، ص ۲۶۴

۱- اردبیلی ، محمد علی ، ج ۲، چ سوم ، ۱۳۸۰، نشر میزان ، ص ۲۰

۲- باهری ، ص ۱۵۷

۳- رای شماره ۲۹۲ مورخ ۱۳۲۰/۱/۳۱ شبه دوم و رای شماره ۴۰۳ مورخ ۱۳۲۰/۹/۳۰ شعبه پنجم دیوان عالی کشور ، مذکور در احمد متین ، مجموعه رویه قضایی

۲-۲- رکن معنوی جرم جعل مهر و منگنه

جرم جعل از جرایم مادی صرف نمی باشد بلکه نیازمند عنصر روانی است، که بدون احراز آن امکان تعقیب سازنده یا تغییر دهنده مهر تحت عنوان جرم جعل وجود ندارد. عنصر معنوی در قانون با کلمات عمدا، عامدا، به قصد سوء... مشخص شده است. عنصر معنوی یا سوء نیت در حقوق جزا فکر نقص و خلاف قانون است، از این رو سوء نیت را یقین بر حصول نتیجه مجرمانه تعریف نموده اند که امری است موضوعی نه حکمی^۲. سوء نیت از آنجایی که با قصد و اراده که کاملاً جنبه روانی دارند ارتباط دارد فقط در مورد اشخاص حقیقی مصداق دارد از این رو به آن عنصر روانی نیز اطلاق می شود. دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای صادره خود اشعار می دارد: «سوء نیت از عناصر لازمه جرم جعل به شمار می رود^۳ جعل مهر از جرایم عمد است که عنصر روانی آن ناظر به علم و آگاهی مرتکب از ممنوع و قابل مجازات بودن حقیقتی که قلب و دگرگون می سازد است.

۲-۲-۱- علم

مقصود از علم آگاهی مرتکب به غیر قانونی بودن عمل ساختن می باشد و هم آگاهی او به اوصاف عناصر مادی جرم ارتكابی می باشد که نیاز به اثبات دارد. علم و آگاهی مقدم بر اراده و قصد است و برای تحقق عنصر روانی جرم، تقارن علم و آگاهی با قصد و اراده و تظاهر عینی و خارجی آنها لازم است. فقدان علم، جهل است و جهل در موضوع بر خلاف جهل در حکم، رافع مسولیت کیفری می باشد.

منظور از علم در این مبحث، معرفت فاعل هم به کیفیت فعل مجرمانه وهم به نامشروع بودن آن است. به عبارت دیگر فرض بر این است که فاعل توان درک درست عمل مجرمانه را داشته و خواسته است دقیقاً^۴ مهتری را بسازد که قانون گذار به حرمت آن حکم داده است. یعنی فاعل نه به موضوع جهل داشته است و نه به حکم قانونی آن. آگاه نبودن از احکام قانون گذار در مواردی استثنائی رفع تکلیف و در قبول مسولیت کیفری فاعل ایجاد شبهه می کند. در جرم جعل مهر همین که جاعل بداند (ماده ۵۲۳ ق.م.ا تعزیرات) در عمل ارتكابی حقیقت را تحریف می کند و این تحریف موجب زیان مادی یا معنوی شخص یا جامعه می شود. تقصیر او ثابت است. در واقع، فاعل به این دلیل مقصر شناخته می شود که می داند دقیقاً آنچه قانون گذار منع کرده است انجام می دهد^۱. در یکی از آراء دیوان آمده عمل کسانی که به دستور دیگران و با حسن نیت مهر می سازند، چون اطلاعی ندارند، جعل محسوب نشده است.^{۱۳}

۲-۲-۲- اراده

در جرم جعل مهر برای مسئول شناختن مرتکب صرف مستند بودن فعل به مرتکب کفایت نمی کند بایستی اراده مرتکب در فعل ساختن مهر نیز دخیل باشد اراده ارتكاب جرم را سوء نیت عام می نامند. مقصود از اراده، مصمم بودن مرتکب در انجام رفتار مجرمانه و عرفاً^۵ انشاء آن در عالم واقع است.

^۱- اردبیلی، ج ۱، ص ۲۳۶

برای تحقق عنصر معنوی فرد می بایست با اراده آزاد اقدام به ساختن مهر دیگری نماید. صرف علم و آگاهی فاعل بر تحریم های قانونی چنانچه با کیفیت و ماهیت و اوصاف فعل چنانچه با اراده ارتکاب توأم نباشد به تنهایی بی تاثیر است. عمد متضمن این است که با وجود آگاهی، فاعل عزم کاری کند که دقیقاً "قانون گذار ارتکاب آن را جایز ندانسته است". بنابراین اگر فاعل بداند مثلاً "مالی را که تحصیل کرده و یا به او داده شده از راه سرقت به دست آمده است و با وجود این قبول کند، یعنی میل و اراده او دقیقاً بر فعلی قرار گیرد که قانوناً جایز نیست (م ۶۶۲ق.م. ا تعزیرات) عامد محسوب میشود. اراده ارتکاب به معنی مصمم بودن بر فعل یا ترک فعل مجرمانه می باشد. در کلیه جرائم اعم از عمدی یا غیر عمدی اراده ارتکاب فعل وجود دارد و قانون گذار فقط انجام عمل ارادی را مجازات می کند و در صورت فقدان اراده ارتکب فعل، تحقق جرم منتفی است. بنا براین در مواردی همچون خواب و بیهوشی، مستی هر گاه مرتکب مسلوب اراده باشد و یا در اجبار که اراده ارتکاب وجود ندارد عمل قابل کیفر نمی باشد.

۲-۲-۳- قصد

در مواد مختلفی از ق.م.ا. مانند ماده ۵۱۲ از واژه قصد استفاده شده که دلالت بر عمدی بودن جرم دارد در جعل مهر هم علاوه بر علم و اراده نیاز به قصد داریم. در واقع مرتکب با علم و اراده فعلی را مرتکب می گردد و به دنبال اثر فعل خویش است مثل کلاهبرداری که فرد با علم به متقلبانه بودن فعل ارتكابی مصمم در انجام آن می گردد و به دنبال بردن مال غیر می باشد. جرائم در حقوق کیفری از این جهت به دو دسته جرائم با سوء نیت عام و جرائم با سوء نیت خاص تقسیم می گردد. از نظر مقررات کیفری در مواردی که قانون برای تحقق جرم عمدی، تنها وقوع عمل مجرمانه را صرف نظر از عواقب و نتیجه حاصل از آن، کافی می داند، قصد مجرمانه فاعل جرم را قصد مجرمانه عام می نامند. در این گونه جرائم برای تحقق عمد عام کافی است که مرتکب جرم، تمایل و علاقه خود را برای ارتکاب عملی که می داند و آگاه است که ارتکاب آن قانوناً ممنوع و نامشروع است به انجام رساند مانند ضرب و جرح عمدی که قانون گذار وجود قصد مجرمانه عام را از ناحیه مرتکب برای تحقق جرم کافی می داند. ولی در مواردی برای تحقق یکی از جرائم عمدی، علاوه بر عمد عام یا قصد مجرمانه عام لزوماً باید مرتکب آن، خواهان عواقب و نتیجه کاری که انجام می دهد نیز باشد مثل جرم جعل که برای تحقق این جرم علاوه بر علم و اراده مرتکب به انجام عمل مجرمانه، قصد ساختن مهر را نیز وجود داشته باشد. ارتکاب عمل به خودی خود دلیل وجود عنصر معنوی یا روانی نیست و در مواردی با وجود اینکه عملی کسورت می گیرد قانون مرتکب آن را در جرائم عمدی به خاطر فقدان قصد مجرمانه قابل مجازات نمی داند.

در حقیقت فعل مجرمانه بایستی همراه با قصد مجرمانه و یا خطای جزایی باشد تا بتوان مرتکب را مسئول دانست به زعم برخی حقوقدانان^۱ ((قصد مجرمانه را می توان خواستن قطعی و منجز به انجام عمل و یا ترک عملی دانست که قانون آن را نهی کرده است)) البته خواستن باید در شرایط متعارف یک انسان عاقل، مختار و واجد رشد جسمی و روانی مطرح گردد زیرا زوال عقل و اختیار و یا عدم رشد موجب می شود که تمایل یا اراده بر ارتکاب جرم مخدوش گردیده و مسولیت کیفری مجرم غالباً از میان برود و یا به مسولیت جزایی تخفیف یافته تبدیل شود.

۱- اردبیلی، محمد علی، ج ۲، ص ۲۳۶.

۲- نوربها، ص ۱۷۵

۲-۳- بزه دیده جعل مهر

مفهوم‌های اولیه بزه دیده شناسی را نه جرم شناسان و جامعه‌شناسان بلکه شاعران، نویسندگان و داستان‌سرایانپی‌نهاده‌اند. داستان‌سرایانی که در میان آنان "توماس وی کوینس"، "جبران خلیل جبران" و "آلدوس هاکسلی" به‌چشمی‌خورند. اولین برخورد نظام مند با قربانیان بزه در سال ۱۹۴۸ در کتاب "هانس فون منتیک" با عنوان "بزه‌کار و قربانی او" پدیدار شد. واژه "بزه دیده شناسی" را در سال ۱۹۴۹ یک روانپزشک آمریکایی به نام "فردریک ورثام" برگزید و در کتاب خود با عنوان "نمایش خشونت" به کار برد. در خلال سالیان نخست بزه دیده شناسی، نوشتارها درباره قربانیان بزه در مقایسه با نوشته‌های جرم‌شناسی رشد کمی داشت. اما طی دهه ۸۰ نشر عظیمی از کتاب‌ها و مقاله‌های ارزنده حاکی از ظهور عصر بزه دیده شناسی بود.

از طرفداران جدی بزه دیده شناسی عمومی جهانی "رابرت الیاس" دانشمند سیاست‌پیشه در دانشگاه سان فرانسیسکو است. در سال‌های دهه ۱۹۷۰ مطالعه‌های فردی قربانیان جرایم خاص تحت تاثیر مطالعه‌های کلی بزه دیدگی قرار گرفت. طی ۲۵ سال اخیر بزه شناسی دچار تغییر و تحول عمده‌ای شد. بزه دیده شناسی اولیه جنبه نظری داشت که کم کم با تحقیق‌های افرادی نظیر "آلن برگر"، "ولفگانگ"، "کورتیس" و "سیلورمن" جنبه کاربردی پیدا کرد. نشست‌های بزه دیده شناسی آن را از یک نظام دانشگاهی به یک جنبش انسانی و از تحقیق علمی به عمل‌گرایی سیاسی تبدیل کرد، به طوری که در نخستین کنفرانس ملی قربانیان بزه - تورنتو ۱۹۸۵ - جنبش بزه دیده، صنعت توسعه یافته دهه نامیده شد.

از یک منظر کلیه جرایم دارای بزه دیده هستند. بدین معنی که جرم بدون بزه دیده وجود ندارد. بزه دیده جرم جعل مهر، اشخاص حقیقی تاجر، شرکتها و اشخاص حقوقی عمومی دولتی می‌باشند. به طور کلی می‌توان گفت که در جرم جعل، دو گروه به صورت مستقیم و غیر مستقیم بزه دیده واقع می‌شوند. بزه دیده مستقیم جعل موارد فوق‌الذکر هستند که مهر به نام آنها ساخته شده و یا اشخاص ثالثی که منتسب الیه مهر نبوده ولی از جرم جعل متضرر می‌گردند یا حداقل امکان ایراد ضرر به آنها وجود دارد. از سوی دیگر جامعه نیز به صورت غیر مستقیم بزه دیده جعل می‌شود. بدین معنی که هر مهری که جعل می‌شود و هر جرم جعلی که اتفاق می‌افتد، موجب تزلزل اعتماد عمومی به صحت و اعتبار مهرها می‌شود. از این جهت می‌توان گفت که جرم جعل دارای بزه دیده غیر مستقیم نیز هست، اصولاً ضرر غیر مستقیم از ضرر مستقیم ناشی می‌شود. یعنی تا زمانی که ضرر مستقیم احراز نشود، ضرر غیر مستقیم واقع نمی‌شود و هر گاه ضرر مستقیم احراز گردید، مسلماً ضرر غیر مستقیم نیز واقع شده است. در این دیدگاه بزه دیده جرایم ممکن است شخص حقیقی یا شخص حقوقی یا امری اعتباری و قرار دادی باشد. مثلاً توهین به مقدسات هم بزه دیده ای دارد و آن دین است. دولت نیز میتواند یکی از بزه‌دیدگان باشد. مهر جعلی اعتماد عمومی مردم به صحت و اصالت اسناد را از بین می‌برد. در این مبحث سعی بر آن است که بزه دیدگان جعل را مورد بررسی قرار دهیم

۲-۳-۱- شخص حقیقی

شخصیت حقیقی یا طبیعی هر انسان زنده ای است که صلاحیت دارا شدن اجرای حق و تکلیف را پیدا می‌کند. پس هر انسان یک شخص است و شخص موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرد. در اصطلاح حقوقی، شخص حقیقی به هر یک از افراد نوع بشر گفته می‌شود. معمولاً افراد حقیقی در روابط و معاملات که با سایر افراد حقیقی و حقوقی از مهرهای مخصوص خود استفاده می‌کنند

کنند. چنانچه مهرهای این افراد جعل شود، این افراد به عنوان بزه دیدگان جعل می باشند. در قانون مجازات اسلامی در صورتی که شخص تاجر یا غیر تاجر باشد جعل مهر آنها احکام مختلفی دارد که به بررسی آن می پردازیم.

۲-۳-۱-۱- تاجر

تاجر در لغت به معنی بازرگان و هر کس است که به داد و ستد و خرید و فروش کالایی می پردازد (قبیل از این که قانون تجارت تاجر را تعریف و اعمال تجاری را تعیین نماید هر کس که به خرید و فروش اشیاء و کالا مشغول بود به او تاجر می گفته اند. اعم از این که شغل عادی و معمولی او تجارت می بود یا کار دیگری هم انجام می داد. ولی با تصویب قانون تجارت ماده یک آن تاجر را تعریف نمود.

قانون تجارت ایران دو تعریف جداگانه از تاجر دارد:

(۱) - در ماده ۱ تاجر را کسی تلقی می کند که به امور تجاری بپردازد ضمن این که امور تجاری را در ماده ۲ توضیح می دهد.
 (۲) - در ماده ۳، تمام شرکت های تجاری را تاجر می شناسد در حالی که ممکن است بعضی از آنها یعنی شرکت های عام و خاص اصولاً برای انجام امور تجاری تشکیل نشوند و موضوع فعالیت آنها امور مندرج در ماده ۲ قانون تجارت نباشد. بنابراین هر کسی که شغل معمولی و عادی او معاملات تجاری باشد تاجر می باشد. چون معاملات تجاری جمع معامله به معنای داد و ستد است بنابراین باید گفت کسی عنوان تاجر پیدا می کند که اولاً داد و ستدهای تجاری انجام دهد و ثانیاً داد و ستدهای تجاری شغل عادی او باشد. و این امور باید به نام و به حساب خود او انجام شود. از کلمه شغل که به معنای حرفه، کسب و پیشه و صنعت و کاری است که شخص در زندگی برای خود انتخاب می کند معلوم می گردد که شرط تاجر محسوب شدن شخص، تکرار داد و ستدهای تجاری است و عرفاً نیز کسی که کاری را به ندرت و گه گاه انجام دهد، شاغل به آن شناخته نمی شود. بنابراین در مورد شغل تجارت اگر اشخاص به طور اتفاقی مبادرت به عملیات تجاری نمایند نمی توان آنها را مشمول تعریف قانون تجارت نمود. لازمه شغل تجارت تکرار معاملات تجاری از طرف تاجر است. میزان تکرار معاملات تجاری به نحوی که مشمول تعریف حقوق تجارت گردد بستگی به عرف و عادت محل دارد و نمی توان تعداد معینی برای آن قائل شد و باید دید آیا حجم و میزان معاملات تجاری شخص باعث آن می گردد که او را تاجر محسوب نمایند یا خیر و به این جهت نمی توان ملاک تشخیص که عمومیت داشته باشد برای میزان و تعداد معاملات تعیین نمود.

لازم نیست مبادرت به معاملات تجاری شغل اصلی شخص باشد تا وی تاجر شناخته شود. مانند این که شغل اصلی و منبع مهم درآمد کسی کشاورزی باشد و ضمناً به عنوان شغل دوم به انجام معاملات تجاری نیز مبادرت نماید. چنین شخصی تاجر محسوب شده و تابع مقررات و قواعد تجاری خواهد بود. کسبه جزء نیز که در ماده ششم قانون تجارت و ماده ۱۹ قانون تجارت بیان شده نیز تاجر محسوب می شوند هر چند از داشتن دفاتر تجاری معاف هستند. تاجر عرفی و اصناف و کسبه جزء جمعاً به عنوان تاجر به معنی اخص اطلاق می شوند و تاجر به مفهوم و معنای اعم شامل دسته جات مذکور و دلالت و حق العمل کاران و واسطه ها از هر قبیل و صنعت گران و صاحبان کارخانه و بانک و صرافان و متصدیان بیمه و کشتی سازان و متصدیان حمل و نقل و مقاطعه کاران و آژانس های مسافرت و نشریات و متصدیان فروش و متصدیان نمایشگاه های عمومی و موسسات مشاغل عمومی و غیره و اشخاصی که جنسی را به قصد فروش بخرند و لو تصرفی در آن نکنند گفته می شود. افراد تاجر در معاملاتی که انجام می دهند از مهر هایی استفاده می کنند که چنانچه مهر آنها جعل شود طبق ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی جعل و مجازات دارد.

۲-۳-۱-۲- غیر تاجر

در قانون مدنی تعریف مشخصی از غیر تاجر نشده است و فقط به تعریف تاجر اکتفا نموده است. و افراد تاجر را نام برده است بطور کلی می توان گفت افرادی که شامل ماده ۲ قانون مدنی نشوند غیر تاجر محسوب می شوند. به عبارتی دیگر غیر تاجر کسی است که شغل معمولی او داد و ستد و خرید و فروش و امور تجاری نباشد. امور تجاری اموری است که قانون گذار آنها را ذاتاً تجاری می داند. یعنی خرید به منظور فروش، حمل و نقل، حق العمل کاری و غیر تاجر علاوه بر افراد حقیقی، شامل اشخاص حقوقی نیز می شود. افراد غیر تاجر حقیقی ممکن است مانند افراد تاجر، شرکتها و موسسات دارای مهر های مخصوص به خود باشند ولی در قانون اشاره ای به ساختن مهر اشخاص حقیقی غیر تاجر نشده است بنابراین ساختن مهر اشخاص حقیقی غیر تاجر جعل نیست و مجازات ندارد.

۲-۳-۲- شخص حقوقی

قواعد و مفاهیم حقوقی، که امروزه به صورت درختان تنومند با ریشه های استوار و شاخه های افراشته جلوه گر می شوند در آغاز نهال هایی نو پا و شکننده بودند که نیاز ها و ضرورت آنها را در زمین مستحکم کرده است.

این نهال ها زاده محیط و پرورش یافته شرایط آن می باشند. از طرف دیگر این سخن نیز قابل تایید است که بگوییم قواعد و ضوابط و مفاهیم حقوقی همچون عناصر تکوینی طبیعت تابع قانون تکامل و مشمول قوانین تطوّر و تحوّلند. این مفاهیم در بستر تاریخی زمان از حالت ابتدایی و ساده خود خارج شده و به صورت تکامل یافته و پیچیده فعلی ظاهر گشته اند مفهوم شخص حقوقی نیز یکی از این مفاهیم است.

با توجه به ارتباط فرهنگ و حقوق ایران با اسلام و حضور فقیهان و آشنایان با اسلام اولین ادوار قانون گذاری در مجالس مقننه کشور می توان گفت که آشنایی با مفهوم شخصیت حقوقی و قبول این فکر از گذشته در نظام حقوقی ما وجود داشته است. اگر چه در فقه بابی را تحت عنوان شخص حقوقی نمی یابیم؛ ولی فقهای ما برای عناوین و موضوعاتی مثل حکومت حاکم، موقوفات، بیت المال، وجوهات شرعی و موضوعاتی از این قبیل آثار و نتایجی قائل بودند که بی تشبیه به اشخاص حقوقی عصر فعلی نمی باشد. بر این اساس، با مراجعه به قوانین مصوب کشورمان در می یابیم که نخستین بار عنوان شخصیت حقوقی در قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ مطرح شد و بعد به موجب قانون تجارت ۱۳۱۱ نظامات و قواعد و احکام و آثار قانونی آن بیان شد.

شخص حقوقی هنگامی پدید می آید که دسته ای از افراد که دارای منابع و فعالیت مشترک هستند در کنار هم قرار بگیرند و قانون آنها را طرف حق و تکلیف بشناسد و برای آنها شخصیت مستقلی قائل گردد مانند دولت، شهرداری، دانشگاه تهران و دانشگاه مفید در واقع شخص حقوقی به آن «گروه ها، جمعیت ها و انجمنهایی گفته می شود که حقوق و تکالیف مشترک و متمایز از حقوق و تکالیف افرادی که آنها را تشکیل داده اند دارا هستند. مفهوم شخصیت حقوقی تعبیری اعتباری از تاسیسی حقوقی است که به مرور زمان و با پیشرفت تمدن ها پدید آمده است بدین گونه «نهادهای مذکور می توانند از آن چه قانون برای اشخاص حقیقی از حقوق و تکالیف مقرر کرده برخوردار گردند؛ مگر حقوق و تکالیفی که با طبیعت انسان ملازمه دارد. مانند وظیفه ابوت و بنوت و امثال آن». در علم حقوق شخصیت حقوقی یا شخصیت بطور اختصار به معنی صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنها است.

مثالوقتی می گوئیم فلان شخص دارای شخصیت حقوقی است منظور این است که شخص صلاحیت و توانائی آن را دارد که در اجتماع دارای حقوقی بشود و بتواند آنها را اجرا کند و یا آنکه طرف تکلیف قرار گیرد.

اشخاص حقوقی تقسیم می شوند به: اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقوقی عمومی. اشخاص حقوقی عمومی نیز به شخص حقوقی عمومی دولتی و غیر دولتی تقسیم می شوند. این اشخاص حقوقی در روابطی که با ادارات و سازمانهای مختلف و اشخاص حقیقی دارند و نامه هایی که بین آنها مبادله می شود از مهر های مخصوص به همان ادارها سازمان استفاده می کنند که بیانگر اعتبار نامه های آن اداره یا سازمان می باشد. چنانچه مهر های این اشخاص حقوقی جعل شوند مردم اعتمادشان را به اسناد و نامه های آنها از دست داده و اعتبار آنها در جامعه کم رنگ شده و به این ترتیب اشخاص حقوقی به عنوان بزه دیدگان جعل می باشند. در ذیل به توضیح هر یک از انواع اشخاص حقوقی می پردازیم. البته قبل از آن به نکته ای در این رابطه اشاره می کنیم. باید دانست که بنا به شرایط سیاسی، اجتماعی بعضی اشخاص حقوقی عمومی به اشخاص حقوقی خصوصی قابل تبدیل هستند. البته عکس آن هم امکان پذیر است. مثلاً بانکهای دولتی را می توان به بانکهای خصوصی تبدیل نمود یا با ملی کردن بانکها آنها را از حالت خصوصی خارج می شود. البته در تمام موارد تصویب قانونگذار لازم است.

۲-۳-۱-۲-۱- شخص حقوقی خصوصی

این دسته از اشخاص حقوقی با روابط خصوصی مردم سروکار دارند و فعالیت آنها در زمینه‌ی حقوق خصوصی است. شخص حقوقی خصوصی به شرکت ها و موسسات تقسیم می شوند که جعل مهر هر کدام از این شرکتها و موسسات احکام جداگانه ای دارد که به توضیح آن می پردازیم.

(۱) شرکتها:

شرکت ها از گروهی از افراد تشکیل می شود که اموال یا خدماتی را به منظور فعالیت بازرگانی مشترک و تقسیم منافع بین خود، در میان می گذارند. شرکت های تجاری دارای انواع مختلفی است که در قانون تجارت آمده است. برابر با ماده‌ی ۵۸۳ ق.ت: «کلیه شرکت های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.»

شرکت های تجاری از حین ایجاد دارای شخصیت حقوقی هستند اما شخصیت آنها زمانی کامل می شود که طبق مقررات به ثبت برسند. ثبت شرکتها در تهران در اداره ثبت شرکتها و در شهرستانها در اداره‌ی ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت به عمل می آید. طبق ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی جعل مهر شرکت ها، جرم محسوب و قابل مجازات است.

ماده ۵۲۹: هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکتهای غیر دولتی که مطابق قانون تشکیل شده است یا یکی از تجارتخانه هاجعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد .

(۲) مؤسسات:

منظور از موسسه گروهی از افراد هستند که برای مقاصد غیر تجاری، اعم از انتفاعی و غیر انتفاعی، تشکیل شده اند. بنابراین مؤسسات غیر تجاری به دو بخش تقسیم می شوند:

الف) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آنها جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای خود نیست مانند انجمن‌هایی که برای حمایت از حیوانات تشکیل می‌شوند.

ب) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آنها سودجویی و جلب منافع مادی است ماده ۵۸۴ ق.ت مقرر می‌دارد: «تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتي تاسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.» بنابراین مؤسسات قبل از ثبت هیچ گونه شخصیت حقوقی ندارند و پس از ثبت است که شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند. مهم‌ترین اقسام موسسات غیر تجارتي عبارتند از: انجمنها و سندیکاهها، اجتماعاتی هستند که برای مقاصد معنوی مانند مقاصد فرهنگی، علمی، ادبی و ورزشی، بمنظور دفاع از منافع شغلی و حرفه ای تشکیل می‌یابند و طبق قانون مجازات اسلامی هرکس اقدام به جعل مهر موسسات که به عنوان شخص حقوقی خصوصی محسوب می‌شوند بکند مرتکب جرم نشده است.

۲-۳-۲-۲- اشخاص حقوقی عمومی

اشخاص حقوقی عمومی که به منظور و اهداف خاصی تشکیل می‌شوند که نوعاً دادنسرویس و خدمات عمومی است و در چارچوب ضوابط و قوانین و مقررات خاصی به وجود می‌آیند مانند وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و سایر مؤسسات دولتی که در این خصوص ماده ۵۸۷ قانون تجارت چنین می‌گوید:

مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون هیچ احتیاجی به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند. با توجه به این ماده کلیه سازمان‌ها و مؤسسات دولتی مانند وزارتخانه‌ها و بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها و غیره به محض ایجاد و تاسیس دارای شخصیت حقوقی می‌شوند و احتیاجی به ثبت ندارند و چون مرتبط به دولت و حکومت بوده و هدف آنها خدمت به جامعه و حفظ حقوق افراد آن جامعه در ابعاد و سطوح مختلف است به آنها شخصیت حقوقی یا شخص حقوقی در حقوق عمومی می‌گویند که چون جزء تشکیلات حکومتی دولت می‌باشند طبیعتاً دو نوع وظیفه متمایز از هم انجام می‌دهند که یک نوع به تشکیلات حکومت مربوط می‌شود و آن کلیه اقدامات و اعمالی است که به منظور حفظ حاکمیت و تأمین منافع و مصالح عمومی و اجتماعی اعمال می‌گردد. و دیگری تصدی و اقدام و اعمالی است که دولت و هر یک از ارگان‌های وابسته به آن به منظور دادن خدمات لازم به اتباع کشور انجام می‌دهند. به این اعتبار در حقوق اداری می‌گویند.

الف: شخص حقوقی عمومی دولتی ۱۶

اداره چنانچه جزئی از سازمان یک وزارتخانه باشد آن را اداره دولتی یا شخص حقوقی عمومی دولتی می‌نامند.^۱ شخص حقوقی ممکن است مربوط به حقوق عمومی باشد، مانند شرکت ملی نفت و شهرداری تهران. به طور کلی دولت و شهرداری‌ها و برخی مؤسسات و سازمان‌های عمومی که از استقلال مالی و اداری برخوردارند از این دسته‌اند. شرکت‌های دولتی نیز از اشخاص حقوقی عمومی هستند. ماده ۵۸۷ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی (شهری) به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.» البته منظور از مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی مذکور در این ماده، شرکت‌های تجاری دولتی نیست. بنابراین اشخاص حقوقی مربوط به حقوق عمومی به محض ایجاد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند و اصولاً نیازی به ثبت آنها نیست. البته ممکن است ثبت اشخاص حقوقی حقوقی

^۱- پیمانی، ص ۱۲۹

عمومی به موجب قانون خاص لازم باشد مانند شرکت واحد سهامی اتوبوسرانی عمومی که طبق ماده یک آئین نامه اجرای قانون تأسیس شرکت اتوبوسرانی باید براساس مقررات قانون تجارت به ثبت برسد. طبق بند ۲ ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی ساختن مهر شخص حقوقی حقوق عمومی دولتی جعل است.

ماده ۵۲۵: هر کس یکی از اشیا ذیل را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد :

۱- احکام یا امضا یا مهر یا دستخط معاون اول رئیس جمهور یا وزیر یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از روسا یا کارمندان و مسولین دولتی از حیث مقام رسمی آنان .

۲- مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکت ها یا موسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی .

۳- احکام دادگاهها یا اسناد یا حواله های صادره از خزانه دولتی .

۴- منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره به کار می رود .

۵- اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر براتهای قبول شده از طرف بانک ها یا چک های صادره از طرف بانک ها و سایر اسناد تعهد آور بانکی .

تبصره: هر کس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و بین المللی و به منظور القاء شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم استاندارد ملی یا بین المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد. گاهی تشخیص این که یک شخص حقوقی مربوط به حقوق عمومی یا حقوق خصوصی است، دشوار است اما به طور کلی می توان گفت اگر سرمایه شخص حقوقی کلاً یا بیشتر آن متعلق به دولت و شهرداری باشد یا هدف و فعالیت آن از اهداف و فعالیت های عمومی باشد، شخص حقوقی مربوط به حقوق عمومی تلقی می شود.

ب: شخص حقوقی عمومی غیر دولتی:

اداره چنانچه جزئی از سازمان یک موسسه عمومی ولی غیر دولتی باشد آن را اداره عمومی غیر دولتی یا شخص حقوقی عمومی غیر دولتی می نامند. طبق ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی جعل مهر شخص حقوقی عمومی غیر دولتی جرم است .

ماده ۵۲۸: هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا موسسات یا نهادهای عمومی غیر دولتی مانند شهر داری را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد .
قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی آن «نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی عبارتند از :

۱- شهرداری ها و شرکت های تابعه آنان مادام که بیش از ۵۰٪ سهام و سرمایه آنها متعلق به شهرداری ها باشد. ۲- بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی ۳- هلال احمر ۴- کمیته امداد امام خمینی (ره) ۵- بنیاد شهید انقلاب اسلامی ۶- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ۷- کمیته ملی المپیک ایران ۸- بنیاد پانزده خرداد ۹- سازمان تبلیغات اسلامی ۱۰- سازمان تامین اجتماعی ۱۱- فدراسیون ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران ۱۲- موسسه های جهاد نصر، جهاد استقلال و جهاد توسعه زیر نظر جهاد سازندگی ۱۳- شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۴- کتابخانه حضرت ایت العظمی مرعشی نجفی ۱۵- جهاد دانشگاهی ۱۶- بنیاد امور بیماریهای خاص ۱۷- سازمان دهیاری ۱۸- هیئت امنای صرفه جویی ارزی در معالجه بیماران ۱۹- بنیاد فرهنگی هنری رودکی. ۲۰- شوراهای اسلامی شهر و روستا ۲۱- هیئت امناء مساجد.

الف : شخص حقوقی حقوق عمومی دولتی ۱۷

اداره چنانچه جزئی از سازمان یک وزارتخانه باشد آن را اداره دولتی یا شخص حقوقی عمومی دولتی می نامند.^۱ شخص حقوقی ممکن است مربوط به حقوق عمومی باشد، مانند شرکت ملی نفت و شهرداری تهران. به طور کلی دولت و شهرداری‌ها و برخی مؤسسات و سازمان‌های عمومی که از استقلال مالی و اداری برخوردارند از این دسته‌اند. شرکت‌های دولتی نیز از اشخاص حقوق عمومی هستند. ماده ۵۸۷ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی (شهری) به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.» البته منظور از مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی مذکور در این ماده، شرکت‌های تجاری دولتی نیست. بنابراین اشخاص حقوقی مربوط به حقوق عمومی به محض ایجاد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند و اصولاً نیازی به ثبت آنها نیست. البته ممکن است ثبت اشخاص حقوقی عمومی به موجب قانون خاص لازم باشد مانند شرکت واحد سهامی اتوبوسرانی عمومی که طبق ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی قانون تأسیس شرکت اتوبوسرانی باید براساس مقررات قانون تجارت به ثبت برسد. طبق بند ۲ ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی ساختن مهر شخص حقوقی حقوق عمومی دولتی جعل است.

ماده ۵۲۵: هر کس یکی از اشیا ذیل را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد :

۱- احکام یا امضا یا مهر یا دستخط معاون اول رئیس جمهور یا وزیر یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از روسا یا کارمندان و مسولین دولتی از حیث مقام رسمی آنان .

۲- مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکت‌ها یا مؤسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی .

۳- احکام دادگاه یا اسناد یا حواله های صادره از خزانه دولتی .

۴- منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره به کار می رود .

۵- اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر براتهای قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهد آور بانکی .

موارد استفاده از مهر در شوراهای اسلامی شهر و روستا:

مهر در شوراهای شهر و روستا می تواند کاربردهای متعددی داشته باشد که به برخی از موارد آن در ذیل اشاره می شود:

۱- تایید نمودن استشهادیه شهروندان و روستائینان در موضوعاتی همچون فوت، مسکن، اشتغال و ... جهت ارائه به ادارات و سازمانهای مختلف .

۲- تایید درخواستها و تقاضاهای اداری افراد و شهروندان وارجاع آنها به ادارات ذیربط.

۳- تایید برخی اسناد تصرف، مالکیت، بیعنامه و نیز صلح نامه انجام شده بین افراد مشروط بر حضور افراد در دفتر کار شورا و تایید معامله و صلح انجام شده از طرف آنها.

۴- مهر نمودن نامه های رسمی شورا که فرم مصوبات شورا بپیوست آنها می باشد و ارجاع آنها به دستگاههای اجرایی و نظارتی ذیربط.

۵- مهر و تایید نمودن نامه های عادی شورا که با دستگاههای اجرایی و نظارتی مختلف مکاتبه و مراسله می شود

۶- مهر و تایید نمودن فرمها و مکاتباتی که از طرف ادارات مختلف با شورای شهر و روستا انجام می شود.

^۱- پیمانی، ص ۱۲۹

۷- مهر و تایید نمودن فرمهای مخصوص مربوط به مواردی همچون سهام عدالت، بیمه خدمات درمانی در روستاها، شهرهای زیر ۱۲۰۰۰ نفر جمعیت و ...

۸- تایید برخی اسناد و فرمهای مالی مخصوص شهرداری ها و دهیاری ها توسط شورای شهر و روستا، همچون لایحه بودجه ارایه شده توسط شهرداری به شورا.

موارد استفاده از مهر هیئت امناء مساجد:

تا قبل از سال ۱۳۷۸ زمانی که شورای اسلامی شهر و روستا سر کار بیایند مردم جهت انجام امورات (موارد ۱ تا ۳ از وظایف شورای شهر و روستا اشاره در فوق الذکر) به هیئت امناهای مساجد روی می آوردند ولی بعد از انتخابات شورای شهر و روستا چون هیئت امناهای مساجد نمایندگان حقوقی و قانونی مردم نبودند بدین سبب مردم به آنها مراجعه نمی کردند و مهر آنها زیاد مورد استفاده قرار نمی گرفت.

۲-۴- مر تکب جعل مهر

مر تکب در جعل مهر می تواند افراد رسمی یا غیر رسمی باشد در ذیل به طور مختصر به توضیح هر یک از افراد رسمی و غیر رسمی به عنوان مرتکب جعل مهر می پردازیم.

۲-۴-۱- افراد رسمی

افراد رسمی به عنوان یکی از مرتکبین جعل مهر عبارتند از:

۲-۴-۱-۱- مامورین به خدمات عمومی دولتی :

مستخدم دولت مطابق قانون استخدام کشوری کسی است که در استخدام دولت باشد و دارای حکم استخدامی باشد. اگر کارمندان و مسولین دولتی از افراد نظامی باشند و در حدود وظایف محوله مرتکب جعل شوند مشمول مقررات قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران خواهند بود. کارمندان دولت دارای انواعی هستند که به شرح آنها می پردازیم.

۱- مستخدمین رسمی:

بنا به تعریف ماده ۵ استخدام کشوری: مستخدم رسمی کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از گروههای جداول حقوق موضوع ماده ۳۰ برای تصدی یکی از پست های سازمانی وزارتخانه ها یا موسسات دولتی مشمول این قانون استخدام شده باشد. برای اینکه بتوان عنوان مستخدم رسمی را به کسی اطلاق کرد باید شرایط ذیل را دارا باشد:

۱- متصدی یکی از پست های ثابت سازمانی وزارتخانه ها و موسسات دولتی باشد. پست سازمانی عبارت از محلی است که در سازمان وزارتخانه ها و موسسات دولتی به طور مستمر و ثابت برای یک شغل و به منظور ارجاع به یک مستخدم رسمی در نظر گرفته شده است، اعم از اینکه متصدی داشته باشد یا نه (ماده ۸.ق.ا.ک).

۲- تصدی مستخدم در آن شغل به طور ثابت باشد نه بر حسب اتفاق و یا به طور موقت. همه امور استخدامی رسمی مانند ترتیب ورود به خدمت، حقوق و مزایا و ترفیعات و بازنشستگی و... دقیقاً به موجب قانون معین شده است به گونه ای دولت نمی

تواند بدون دلایل قانونی به خدمت آنها پایان دهد و آنها هم حق ندارند هر زمان که بخواهند از خدمت دولت کناره گیری کنند. لذا مستخدم دولت با احراز این دو شرط مستخدم رسمی محسوب می شود.

۲-مستخدم آزمایشی:

به موجب تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون استخدام کشوری مستخدمین آزمایشی در حکم مستخدم رسمی محسوب می شوند. در واقع آزمایشی ها مامور به خدمت عمومی اند که در خدمت کشورند ولی پیش از انتصاب رسمی باید یک مرحله آزمایشی را بگذرانند. این مرحله در واقع مرحله آموزشی است.^{۱۸} این افراد مستخدمین دارای حقوق و مزایای مستخدمین رسمی هستند و این افراد را می توان به طور موقت به پست های ثابت سازمانی منسوب کرد.

۳-مستخدم پیمانی:

به موجب ماده ۶ قانون استخدام کشوری: «مستخدم پیمانی کسی است که به موجب قرار داد به طور موقت برای مدت معین و کار مشخصی استخدام می شود» مطابق قانون استخدام کشوری، استخدام پیمانی فقط برای پستهای موقت و غیر ثابت مجاز است.

۴-سایر مستخدمین غیر رسمی:

قانون استخدام کشوری مستخدمین دولت را دو نوع رسمی و پیمانی می داند (ماده ۴ قانون) اما در سازمان های دولتی گونه های دیگری از مستخدمین تحت عناوین خرید خدمتی و روز مزد مشغول خدمت هستند استفاده از افراد به صورت خرید خدمت و روز مزد و... که امروزه در سازمان های دولتی رایج است جنبه استخدام پیمانی ندارد و گونه ای از استخدام غیر رسمی است که احکام خاص خود را دارد.

الف-مستخدمین خرید خدمتی:

گونه ای از استخدام دولتی که در دستگاه های دولتی رایج است، استخدام خرید خدمتی است. منظور از خرید خدمت، استفاده از خدمت افراد در دستگاه دولتی برای انجام دادن وظایف معین و در مواردی است که امکان جذب افراد از طریق قوانین و مقررات و ضوابط استخدام رسمی و پیمانی یا ثابت و مشابه آن نباشد در واقع مستخدمان خرید خدمتی چنان که از نام آن بر می آید برای انجام خدمت معین و کوتاه مدت استخدام می شوند.^۱ (تصویبنامه ۱۳۶۲/۳/۲۲) استخدام خرید خدمتی جنبه استخدامی ندارد و هیچ گونه مزایای استخدام رسمی به آن تعلق نمی گیرد و اداره می تواند بدون هیچ گونه تعهدی به خدمت مستخدم خرید خدمتی پایان دهد.

ب-مستخدمین روز مزد:

این گروه به صورت روز مزد استخدام شده اند یعنی خدمت آنها برای یک یا چند روز است و مزد آنها هم روزانه پرداخت می شود مستخدمین روز مزد به دو دسته تقسیم می شود: موقت و ثابت. دسته اول برای خدمات موقت و استثنایی به مدت یک یا

^۱ - ابوالحمد، عبدالحمید، حقوق اداری ایران، انتشارات توس، چ اول، ۱۳۵۴، ص ۲۵

چند روز استخدام شده اند (مانند کارگران ساختمانها و تاسیسات و ...). دسته دوم برای انجام کارهای اداری و فنی به مدت نا معینی استخدام می شوند. رابطه مستخدمین روز مزد یک رابطه قرار دادی و تابع حصول حقوق عمومی است. ۱۹

ج- مستخدمین حکمی:

این افراد بر طبق اختیاراتی که به موجب قوانین خاص به وزیران یا سرپرستان سازمان های دولتی داده شده است به استخدام دولت در آمده اند. وضع مستخدمین حکمی از لحاظ آنکه آنان برای مدت نا معین استخدام شده اند و مشاغل آنها کم و بیش حساس و ثابت است شبیه وضع مستخدمین رسمی است بدون آنکه از مزایای استخدام رسمی یا پیمانی برخوردار باشند.

۲-۱-۴-۲- مامورین به خدمات عمومی غیر دولتی

این افراد مامور به ارائه خدمات عمومی هستند اما مامور دولتی محسوب نمی شوند. یا به عبارت دیگر شخص حقوقی عمومی غیر دولتی گفته می شود که فهرست آنها در بخش قبل ذکر گردید.

۲-۴-۲- افراد غیر رسمی

افراد عادی نیز مانند افراد رسمی مرتکب جعل مهر می شوند. افراد عادی مرتکب جعل مهر عبارتند از بالغ و غیر بالغ باشند که در ذیل به توضیح هر کدام می پردازیم :

۲-۴-۲-۱- بالغ

منظور از بالغ کسی است که به سن بلوغ شرعی رسیده باشد. بلوغ در قانون تعریف نشده است نا گزیر با مراجعه به آرای فقهی در آغاز باید دید بلوغ چیست و بالغ چه کسی است تا معنی نا بالغ که گاه در قانون مترادف طفل بکار رفته معلوم شود. بلوغ از "بلغ" در لغت به معنای رسیدن به انتهای مقصد است. اعم از آن که مقصد مکان باشد یا زمان یا امری معین و البته گاهی نزدیک شدن به مقصد مراد است هر چند به آخر آن نرسد.

مراد از بلوغ، رسیدن فرد به سنین اوان ازدواج و رشد است و رشد هم به معنای پختگی و رسیده شدن میوه عقل است. اما در اصطلاح عرف و شرع وقتی گفته می شود بچه بالغ شد؛ یعنی علائم بلوغ در او پیدا شد و تکلیف بر عهده اش آمد پس او بالغ است.

در کتابها و رساله های فقهی هر جا سخن از بلوغ است مقصود نویسندگان به استناد بعضی از آیات قران کریم از جمله: «واذا لاطفال منکم الحلم فلیستادنوا...» چون کودکان به حد حلم رسیدند باید از شما اذن گیرند^۱ رسیدن به حد حلم و بلوغ نكاه است. علاوه بر نشانه های طبیعی که در چندی و چونی آن بین فقیهان امامیه اختلاف است. سن نیز به عنوان معیاری

^۱- ابوالحمد، ص ۳۸۷

^۱-سوره نور ایه ۵۹

قراردادی اماره بالغ شدن شناخته شده است. اکثر فقیهان امامیه سن بالغ شدن در دختران را ۹ سال و در پسران ۱۵ سال تمام قمری میدانند. ولی حقیقت این است که مدت عمر هیچگاه ملاک معتبری برای تشخیص بلوغ نیست^{۲۱}

۲-۴-۲- غیر بالغ:

چنانکه می دانیم یکی از ارکان مسئولیت کیفری ادراک است که به معنی درک و فهم انسان از ماهیت و پیامدهای اعمال خود است. فقیهان اسلامی میان طفلی که تا حدودی از لحاظ عقلی رشد یافته و قادر به تمیز است و طفلی که هنوز ممیز نیست تفاوت قائل شده و وضع هر یک را تابع احکام جداگانه دانسته اند. به طور کلی نابالغ در مقررات کیفری کشور ما که ملهم از احکام شرعی است به دو دوره تقسیم شده است. :

الف: غیر بالغ غیر ممیز:

این دوره از تولد طفل آغاز می شود و بنا به روایتی با فرا رسیدن ۷ سالگی پایان می یابد. گفته می شود کودک در این دوره توانایی درک افعال خویش و عواقب سوء آن را ندارد. سن ۷ سالگی اماره ای کاشف از رشد عقلانی کودک است وگرنه ممکن است کودکی دیر تر یا زودتر به سن تمیز برسد. در هر حال کودک در این دوره غیر ممیز به شمار می آید اگر چه قدرت تمیز داشته باشد. به سخن دیگر عدم تمیز کودک در این سن اماره مطلق است و دلیل خلاف آن در دادگاه پذیرفته نیست. پس اگر کودک پیش از رسیدن به سن ۷ سالگی مرتکب جعل مهر شود مسئولیت کیفری ندارد و برای نگهداری به والدین کودک سپرده می شوند. لیکن سلب مسئولیت کیفری طفل را در برابر ضررهایی که به واسطه جعل مهر به مال دیگری وارد ساخته است از مسئولیت مدنی معاف نمی گرداند.

البته محجورین هم که به نوعی غیر بالغ محسوب می شوند می توانند مرتکب جعل مهر شوند. محجور در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می شود که از بخشی از تصرفات و اعمال حقوقی منع شده است به عبارت دیگر حجر عبارت است از منع شخص به حکم قانون از اینکه بتواند امور خود را بطور مستقل و بدون دخالت دیگری اداره کند و شخصاً اعمال حقوقی انجام دهد و فاقد اهلیت استیفا باشد. محجور از ریشه حجر و به معنی منع و بازداشتن برگرفته شده است.

ب: غیر بالغ ممیز:

این دوره از ۷ سالگی شروع می شود و تا رسیدن به سن بلوغ یعنی پایان ۹ سال قمری در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران ادامه می یابد. کودک را در این دوره به این دلیل ممیز می نامند که فرض می کنند کودک به مرحله ای از رشد عقلانی رسیده که قادر است بد را از خوب بازشناسد. تمیز در قوانین کشور ما تعریف نشده است ولی می توان گفت مقصود از آن فرق گذاشتن میان بد و خوب و یا پسند و ناپسند است. البته در این باره دادگاه باید تحقیق کند که آیا متهم در حین ارتکاب جرم به عواقب عمل خود آگاه بوده یا خیر؟ اگر دادگاه دلیلی بر ممیز بودن طفل بدست نیاورد نمی تواند به محکومیت او حکم دهد.

^{۲۱}- اردبیلی، ص ۱۰۵

غیر بالغ ممیز چنانچه مرتکب جعل مهر شود طبق حکم دادگاه برای نگهداری به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می شود و یا اقدامات تامینی و تربیتی در مورد او اجرا می شود.^{۲۱}

۲-۵- تعدد جرم

برای تشریح قواعد تعدد جرم در قبال موضوع پایان نامه در ابتدا لازم است قواعد مربوط به تعدد جرم را شناخت، تعدد جرم وضعیت خاصی است که در آن فردی مرتکب چند جرم شده و پس از آن در چنگال عدالت گرفتار میشود تا به خاطر همه آن جرایم مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد. دو نکته در این تعریف نهفته است: اولاً، تعدد جرم زمانی مطرح میشود که متهم بیش از یک جرم را مرتکب شده باشد. ثانیاً، ادعای تعدد جرم زمانی صحیح است که در زمان محاکمه متهم، وی به خاطر هیچیک از جرایم ارتكابی مذکور، سابقاً محکوم و مجازات نشده باشد. بنابراین، اگر متهم فقط یک جرم را اما در فواصل زمانی مختلف مرتکب شده باشد یا به خاطر یک یا چند مورد از آن جرایم قبلاً محاکمه و مجازات شده باشد اتهام تعدد جرم در مورد او صادق نیست پس اگر به دست آوردن مهر یا تمبر یا علامت به صورت سرقت باشد مشمول قواعد تعدد جرم خواهد بود.

نتیجه

بنظر می رسد قصد تقلب و اضرار، سوء نیت خاص این جرم است، اما تحقق ضرر خارجی شرط نیست. با توجه به ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی عنوان «شرکت های غیردولتی» علاوه بر شرکت های تجاری شامل شرکت های مدنی نیز می شود مشروط بر این که مطابق ماده ۴۷ ق.ت. اسناد و املاک، ثبت شده باشد. شبیه سازی شرط تحقق این جرم است. قصد تقلب و اضرار، سوء نیت خاص این جرم است اما تحقق ضرر خارجی شرط نیست. با توجه به ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی می توان گفت جرم موضوع این ماده جعل نیست و به خاطر شباهتی که با جعل دارد در این جا بیان شده است. هر چند ماده ۵۲۳ «به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن را نیز از مصادیق جعل دانسته است. همچنین اگر اگر به دست آوردن مهر یا تمبر یا علامت به صورت سرقت باشد مشمول قواعد تعدد جرم خواهد بود. نظر می رسد اگر به دست آوردن مهر یا تمبر یا علامت بصورت سرقت باشد مشمول قواعد تعدد جرم خواهد بود. مهر یکی از اشیاء موضوع جعل است. مهر وسیله ای است که از جنس فلز یا سنگ یا شئی دیگری ساخته شده و دارای یک سطح مستوی است و نام یا امضاء و یا سایر مشخصات صاحب مهر و یا علامات دیگری روی آن حکاکی شده. جرم جعل مهر مانند هر جرم دیگری نیاز به سه رکن قانونی، مادی و معنوی دارد. مواد ۵۲۴ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ رکن قانونی این جرم را تشکیل می دهد. رکن مادی آن شامل: ساختن مهر و انتساب مهر به اشخاص حقیقی است. برای تحقق عنصر اول مرتکب بایستی مهری به شکل کلی یا جزئی بسازد. به عبارت دیگر یا مهری را از ابتدا تا انتها بسازد یا در مهر ساخته شده تغییراتی انجام دهد. برای تحقق عنصر دوم مهر مجعول باید امکان منتسب شدن به شخص حقیقی را داشته باشد. جعل مهر با ترک فعل محقق نمی شود زیرا برای تحقق این جرم نیاز به ساختن مهر داریم و ساختن با ترک فعل واقع نمی شود. برای تحقق رکن معنوی این جرم نیاز به قصد تقلب داریم. تقلب از مقومات جعل است به گونه ای که در صورت عدم تحقق یکی از عناصر تقلب یعنی استناد، برخلاف حقیقت، انتساب به غیر، فریب، تشابه و اضرار جعل واقع نمی شود. مهر باید در لحظه ایجاد علیه شخصی سندیت داشته باشد و بتواند پیامی را منتقل کند بهمین خاطر صرف ساختن مهری که پیامی را منتقل نکند جعل محسوب نمی شود اگر حرف یا کلمه ای در مهر متضمن انتقال پیام باشد و علیه کسی سندیت

^۱- اردبیلی، ص ۱۰۸

داشته باشد جعل محقق می‌گردد. برخلاف حقیقت در مهر به سه صورت است، گاهی در مفاد مهر و گاهی در شکل مهر و گاهی در هر دو نمود پیدا می‌کند. در صورتی که تغییر در شکل و همچنین محتوی باشد، جعل محقق شده اما در مورد سوم در صورتیکه مفاد مهر صحیح اما شکل مهر برخلاف حقیقت چنین به نظر می‌رسد که به موجب قانون جدید همان قدر که مهری متقلبانه ساخته شود و امکان اضرار غیر نیز در آن وجود داشته باشد، جعل خواهد بود حتی اگر مفاد و مضمون آن خلاف حقیقت نباشد. برای تحقق تقلب مرتکب بایستی مهر بر خلاف حقیقتی را به شخص دیگری منتسب نماید. این عمل به دو شکل قابل تصور است: مرتکب مهری را از ابتدا تا انتها بسازد و منتسب به دیگری نماید یا در مهری که منتسب به دیگری است تغییری بر خلاف حقیقت ایجاد کند بنا بر این اگر مرتکب مهری را که منتسب به خود اوست تغییر دهد مرتکب جعل نشده. در مورد فریب مهر معمول باید امکان به اشتباه انداختن دیگران را داشته و این امر مستلزم شبیه بودن مهر اصلی و معمول نیست به عبارت دیگر امکان به اشتباه انداختن مستلزم شبیه بودن دو مورد اصلی و تقلبی نیست و با عدم شباهت امکان به اشتباه انداختن هم وجود دارد. ولی تشابه در جرم جعل مهر لازم و ضروری می‌باشد. با توجه به عبارت «قصد تقلب» در انتهای ماده ۵۲۳ق.م.ا.نیاز به تحقق ضرورت نیست. در واقع برای تحقق جرم جعل مهر مرتکب می‌بایست با علم به کلیه عناصر تقلب، مهری را ساخته و نهایتاً قصد اضرار غیر را داشته باشد. ضروری که در جرم جعل مد نظر می‌باشد اعم از ضرر مادی یا معنوی، بالقوه یا بالفعل می‌باشد.

پیشنهاد

۱- نظر به اهمیت حفظ و استقرار امنیت در کشور و با لحاظ پیوند ناگسستنی آن با حفظ موجودیت جامعه امروزه قوانین جزایی کشور برای مقابله با اعمال و رفتاری که به هدف بر هم زدن امنیت در کشور صورت می‌گیرد قانون گذاران تمهیدات خاصی را برای تعقیب جرم و محاکمه و مجازات مرتکبین این گونه جرایم پیش بینی و در نظر می‌گیرند؛ و در مجموع با اتخاذ سیاست کیفری و وضع مقررات جزایی مربوط به جرایم علیه امنیت کشور برای احراز مجرمیت این گونه جرایم در قانون ویژگیهای خاص قائل می‌شوند. به طوری که در مقایسه این مقررات جزایی نسبت به احکام ناظر به جرایم علیه اشخاص و اموال و مالکیت فرقه‌های اساسی دیده می‌شود. شایسته است قانون گذار ایران مجازات مناسب تری را برای جرم جعل مهر در نظر گیرد.

۲- جا داشت که قانون گذار ما، همان طور که مثلاً داشتن وسایل قمار را طبق ماده ۷۰۶ق.م.ا.مصوب ۱۳۷۵ جرم شناخته است، داشتن ابزار ساخت مهر را نیز جرم می‌شناخت.

۳- همچنین جعل مهر موسسات و افراد غیر تاجر نیز جرم تلقی شود.

منابع:

الف: کتب فارسی:

- ۱- آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، تهران
- ۲- آزمایش، علی، تقریرات جزای اختصاصی (کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۷۷
- ۴- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸، چ ۲۱
- ۵- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۶، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، چ ۲، ۱۳۷۱
- ۶- امین پور، محمد تقی، کیفر همگانی و آراء دیوان عالی کشور، تهران، بی تا، ص ۵۹، ردیف ۱۴
- ۷- بازیگر، یدالله، سرقت، جعل و خیانت در امانت در آرای دیوان عالی کشور، تهران نشر حقوق دانان، ۱۳۷
- ۸- باهری، محمد و داور، علی اکبر خان، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، ۱۳۸۰، چ اول
- ۹- پاد، ابراهیم، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، سال ۳۵ و ۳۶، دانشگاه تهران
- ۱۰- پیمایی، ضیاءالدین، حقوق کیفری اختصاصی، نشر میزان، چ ۷، ۱۳۸۵
- ۱۱- حائری شاه باغ، شرح قانون مجازات عمومی
- ۱۲- حسینی، محمد رضا، قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی
- ۱۳- سالاری شهر بابکی، میرزا مهدی، حقوق جزای اختصاصی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶
- ۱۴- سپهوند، امیر خان، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، انتشارات اداره کل آموزش، گزینش و استخدام قضات قوه قضاییه، ۱۳۷۵
- ۱۵- سلیمان پور، محمد، جعل اسناد در حقوق ایران، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۵
- ۱۶- شامبیاتی، هوشنگ، جرایم برضد مصالح عمومی کشور، انتشارات ژوبین، چ ۵، ۱۳۸۵
- ۱۷- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷، چ ۱۸
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، چاپ ۱۰
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵، چ ۴
- ۲۰- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی (۱-۲-۳-)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، چاپ یازدهم
- ۲۱- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چ هشتم ۱۳۸۲
- ۲۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مجموعه محشی ق.م.، انتشارات گنج دانش، چ ۱، ۱۳۷۹
- ۲۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش
- ۲۴- متین دفتری، احمد، مجموعه رویه قضایی، (قسمت کیفری) مجموعه آراء شعب و هیئت عمومی دیوان عالی کشور تهران، آفتاب، ۱۳۳۰
- ۲۵- مدرس، سید علی محمد، در موارد جعل، مجله پژوهشی
- ۲۶- مصلاهی، علیرضا، قانون مجازات اسلامی، در آراء دیوان عالی کشور، تهران نشر آیلار، چاپ ظفر، ۱۳۸۱، چ ۲
- ۲۷- مجموعه نشستهای قضایی، قانون مجازات اسلامی، چ ۲
- ۲۸- میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم امنیت و آسایش عمومی) تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸، چاپ ۱۳

دوره ۹، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۷۴-۱۴۶

۲۹-نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چ ۱۳۷۸، ۲۱، کتابخانه گنج دانش

۳۰-صالح ولیدی، محمد صالح، بایسته های حقوق جزای عمومی، انتشارات جنگل، چ اول، ۱۳۸۸

مقاله های فارسی :

۱- سالاری شهر بابکی، میرزا مهدی، (نظریه خسارت در جعل)، فصلنامه مدرس علوم دانشگاهی، ۱۳۸۶، دوره ۱۱، شماره ۲

۲-هومن، احمد، تاریخچه تکامل بزه جعل، مجموعه حقوقی، شماره ۸

۳-پژوهشنامه حقوقی، دانشگاه گیلان، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰ ص ۱۳۶

پایان نامه ها :

۱-بیاتی، حسین، پایان نامه کارشناسی ارشد، رکن مادی جعل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۶

۲-رضایی سراجی، زهرا، پایان نامه کارشناسی ارشد، جعل معنوی در حقوق ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۰

۳-طاهری، علی، جعل و استفاده از سند مجعول، پایان نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزشی عالی قم، ۱۳۷۷